

رشد بخش کشاورزی و میل نهایی به تجارت محصولات منتخب کشاورزی

سپیده نیکروش، سعید یزدانی، غلامرضا یآوری، مهدی کاظم نژاد¹

تاریخ پذیرش: 1396/10/19

تاریخ دریافت: 1396/09/24

چکیده

رشد اقتصادی و ارتباط آن با تجارت خارجی یکی از موضوع‌های مهم در انتخاب سیاست‌های تجاری است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط بین رشد بخش کشاورزی و توسعه تجارت محصولات منتخب کشاورزی است. برای دستیابی به این هدف، نوع اثرگذاری تولیدی و مصرفی رشد بر تجارت با محاسبات مقادیر میل نهایی و میل متوسط به تولید، مصرف و تجارت محصولات تعیین می‌شود. در این راستا ممکن است برآیند اثرگذاری تولیدی و مصرفی رشد روی تجارت خارجی، موافق با تجارت، مخالف با تجارت، خنثی، کاملاً موافق و یا کاملاً مخالف با تجارت باشد. نتایج این بررسی بر پایه تحلیل میل نهایی به تجارت محصولات نشان داد که سیاست‌های دولت در بخش تجارت خارجی یک ثبات نسبی نداشته است. بنابر نتایج، در برنامه اول توسعه سیاست‌های دولت در راستای توسعه صادرات محصولات پسته، خرما و واردات برنج و حمایت بیشتر از تولید داخلی شکر و مدیریت واردات آن بوده است. در برنامه‌های دوم و سوم برآیند اثرگذاری مصرفی و تولیدی رشد منجر به توسعه نیافتن تجارت همه محصولات به جز شکر در برنامه دوم و پسته و برنج در برنامه سوم شد. در برنامه‌های چهارم و پنجم، اثرگذاری خالص تولیدی و مصرفی رشد روی توسعه تجارت همه محصولات به ترتیب موافق و به جز محصول خرما مخالف با تجارت بوده است.

طبقه‌بندی JEL: F11, F13, F14

واژه‌گان کلیدی: رشد بخش کشاورزی، میل نهایی به تجارت، صادرات، واردات، توسعه تجارت

¹ به ترتیب دانشجوی دکتری گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران، ایران. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. عضو هیئت علمی موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

مقدمه

رشد اقتصادی با افزایش تولید و صادرات مازاد کالاهای تولید شده، افزایش درآمد ملی را به همراه دارد که می‌تواند منجر به افزایش واردات کالاهای موردنیاز شود. با گسترش رابطه‌های تجاری بین کشورها، نظریه‌های اقتصادی مطرح شده با توجه به مقوله رشد اقتصادی درصدد طراحی راهکارهایی برای بیشینه کردن منافع کشورها در نظام تجاری جهانی بوده‌اند. جانسون در کتاب تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی (1955) مباحث گسترده‌ای را پیرامون تاثیر رشد اقتصادی بر تجارت بین‌الملل ارائه داده است، مبنی براینکه رشد اقتصادی می‌تواند ناشی از رشد عامل‌های تولید یا ناشی از رشد بهره‌وری و پیشرفت فناوری تولید باشد که در هر صورت منجر به افزایش سطح تولید می‌شوند. اما اینکه رشد اقتصادی چه تاثیری بر حجم تجارت خارجی می‌گذارد بستگی به دو اثر تولیدی و مصرفی آن دارد. اگر تولید کالاهای صادراتی کشور از رشد بیشتری نسبت به کالاهای وارداتی برخوردار باشند، اثر تولیدی رشد اقتصادی موافق تجارت (افزایش صادرات) و در حالت عکس آن اثر تولیدی مخالف تجارت است. به همین ترتیب چنانچه رشد مصرف کالاهای وارداتی کشور نسبت به رشد مصرف کالاهای صادراتی بیشتر باشند، اثر مصرفی رشد اقتصادی موافق با تجارت (افزایش واردات) و در حالت عکس آن، اثر مصرفی مخالف با تجارت است (مهدوی و جوادی، 1384).

هدف اصلی نظریه‌های مربوط به رشد تجارت، بررسی متغیرهای موثر بر آن در کشورهای مختلف بوده است. خان و کالریجان (2011) در بررسی‌های خود متغیرهایی مانند نرخ تورم، درآمد ملی، سیاست‌های دولت، فاصله بین کشورها، نرخ تعرفه، مهار قاچاق و مدیریت نرخ ارز را به عنوان مهم‌ترین عامل‌های موثر بر تجارت مطرح کرده‌اند. دیگر محققان هم به متغیرهای تاثیرگذار دیگری مانند تقاضای متقابل، بهره‌وری عامل‌های تولید، سرمایه‌گذاری، فناوری، هزینه حمل و نقل و توسعه نهادهای اقتصادی در کشور، اشاره کرده‌اند (گزارش تجارت جهانی، 2013). توسعه تجارت محصولات کشاورزی یکی از موضوع‌های مهم کشورهای در حال توسعه است و از مهم‌ترین عامل‌های تاثیر گذار بر آن، رشد تولید ناخالص بخش کشاورزی است. دستیابی به رشد بخش کشاورزی به عنوان زمینه‌ساز توسعه تجارت از جمله هدف‌های اصلی برنامه‌های اقتصادی و تجاری همه کشورها به شمار می‌آید (رانیس و همکاران، 1990). به عبارت دیگر توسعه و گسترش تجارت بین‌الملل محصولات کشاورزی می‌تواند در گرو رشد بخش کشاورزی باشد. کشور ایران به لحاظ گستردگی در امتداد طول جغرافیایی، تنوع

رشد بخش کشاورزی...129

آب‌وهوایی، وجود امکانات و عامل‌های اولیه، قابلیت و ظرفیت بالایی برای تولید انواع محصولات کشاورزی دارد. بخش کشاورزی افزون بر تامین امنیت غذایی و ایجاد اشتغال، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در افزایش نرخ رشد اقتصادی دارد و می‌تواند نقش موثری در رشد تجارت این بخش ایفا کند (بانک مرکزی، 1395).

بسیاری از پژوهش‌ها تاثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند (مرادی و مهدی زاده، 1384؛ کرباسی و پیری، 1388؛ ابریشمی و همکاران، 1381؛ فدر، 1982؛ خان و رینهارت، 1990؛ شیپی، 1993؛ وین‌هولد و رواج، 1997؛ چن‌گوپتا، 2006؛ کنیا، 2006). نتایج اغلب این پژوهش‌ها وجود یک رابطه معنی‌دار بین تجارت و رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. مهدوی و جوادی (1384) با استفاده از مدل‌های علی، تاثیر رشد تجارت خارجی بر رشد اقتصادی را تایید می‌کنند که این ارتباط ناشی از تاثیر مثبت رشد واردات بر رشد مجموع ارزش افزوده بخش‌های صنایع و معادن و کشاورزی و تاثیر رشد صادرات نفتی بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات است.

نتایج بررسی‌های (زاهونگو، 2017؛ جوینی، 2015) با استفاده از برآوردگر میان‌گروهی تلفیقی، نشان‌دهنده نبود شفافیت ارتباط بین رشد اقتصادی و باز بودن تجارت بین‌المللی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و شش کشور شورای همکاری خلیج فارس است. بالاسا (1978) معتقد به وجود رابطه مثبت بین صادرات و رشد اقتصادی و مزیت استراتژی تشویق صادرات به جای جانشینی واردات است. به باور هلپمن و گروسمن (1985) توسعه صادرات می‌تواند مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی باشد به این دلیل که افزایش تقاضای خارجی منجر به رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود و افزایش اشتغال و درآمد را به همراه خواهد داشت. سرلیتس (1992) با بررسی رابطه بین رشد صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی کشور کانادا به اثرگذاری صادرات روی بهره‌وری، تخصیص منابع و صرفه‌های ناشی از مقیاس که رشد اقتصادی را تسریع می‌کند دست یافت.

جانگ و مارشال (1985) آزمون علیت از رشد صادرات به رشد اقتصادی 37 کشور را مورد بررسی قرار دادند و این رابطه تنها برای چهار کشور اکوادور، اندونزی، مصر و کاستاریکا تایید شد. شاکری و مالکی (1389) با استفاده از آزمون‌های همگرایی، همجمعی و علیت به بررسی رابطه رشد صادرات غیر نفتی و رشد اقتصادی پرداختند و فرضیه رشد صادرات محور برای اقتصاد ایران را رد کردند. نتایج بررسی‌های (جهرمی و عابدی، 1391؛ لویز و داوسون، 2010؛

گیلبرت و همکاران، ۲۰۱۳) بیانگر ارتباط مثبت و معنی‌دار بین صادرات محصولات کشاورزی و رشد اقتصادی است.

بنا به نظر (یمادا، 1995؛ آووکوز، 2003)، جریان علیت از صادرات به رشد اقتصادی است. اما برخی از تحلیلگران معتقد به جریان علیت از رشد اقتصادی به صادرات هستند و آن را با عنوان رشد منجر به صادرات معرفی می‌کنند (لاو و چندرا، 2005).

بررسی‌های (باگواتی، 1958؛ کردن، 1956؛ هیکس، 1953؛ رایبزنسکی، 1955؛ جانسون، 1958) به بررسی اثرگذاری رشد اقتصادی بر تجارت بین‌الملل پرداختند. برابر نظریه‌های آنان تغییرات حجم تجارت در فرایند رشد بستگی به اثرخالص تولید و مصرف دارد تا نمایانگر این باشد که رشد اقتصادی موافق تجارت، مخالف تجارت و یا خنثی است.

ملک‌شاه و قهرمان‌زاده (1395) رابطه بین صادرات و رشد بخش کشاورزی را با الگوی خود توضیح برداری ساختاری بررسی کردند و به رابطه علی یک سویه از رشد بخش کشاورزی به صادرات بخش کشاورزی دست یافتند. اردستانی (1380) با بررسی رابطه دوسویه بین صادرات و رشد بخش کشاورزی ایران طی سال‌های 78-1349، به این نتایج دست یافت که رشد صادرات بخش کشاورزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت محرک رشد این بخش بوده است در حالی که رشد بخش کشاورزی تنها در کوتاه‌مدت منجر به رشد صادرات این بخش شده است.

شناسایی عامل‌های موثر بر تجارت بین‌الملل محصولات کشاورزی از جمله تاثیر رشد تولید ناخالص بخش کشاورزی می‌تواند به تصمیم سازان و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی کمک کند تا بتوانند در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بخش کشاورزی گام‌های اساسی بردارند. با توجه به اهمیت بررسی تغییر حجم تجارت در فرایند رشد اقتصادی، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش است، آیا در دوره زمانی مورد بررسی رشد بخش کشاورزی باعث افزایش صادرات و واردات محصولات منتخب کشاورزی شده است؟ آیا رشد بخش کشاورزی منجر به افزایش میل متوسط و میل نهایی به تجارت شده است یا خیر؟ تاکنون پژوهش‌های مختلفی در رابطه با تاثیر تجارت بر رشد اقتصادی در داخل و خارج کشور انجام شده است ولی با بررسی‌های انجام گرفته پژوهش منسجمی که اثر رشد اقتصادی و به ویژه رشد بخش کشاورزی بر تجارت بین‌الملل را در کشور انجام داده باشد وجود ندارد. لذا این پژوهش، اثرگذاری رشد بخش کشاورزی روی توسعه تجارت محصولات کشاورزی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

روش تحقیق

در این بررسی بر پایه نظریه چچولیداز (1978)، درآغاز میل نهایی به تولید و مصرف محصولات صادراتی و وارداتی محاسبه و اثرگذاری تولیدی و مصرفی رشد بخش کشاورزی تعیین می‌شوند. آنگاه با کمک این دو شاخص، اثرگذاری رشد تولید ناخالص بخش کشاورزی بر تجارت محصولات منتخب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با فرض اینکه اقتصاد در تعادل بلند مدت قرار دارد و در تعادل اولیه، X_p واحد از X (کالای صادراتی) و Y_p واحد از Y (کالای وارداتی) تولید و X_c واحد از X و Y_c واحد از Y مصرف می‌شود. صادرات $Z = X_p - X_c$ واحد از X در معاوضه با واردات $M = Y_c - Y_p$ واحد از Y صورت می‌گیرد و درآمد ملی واقعی Q بصورت رابطه (1) است:

$$Q = X_p + Y_p = X_c + Y_c \quad (1)$$

میزان تجارت (V)، از تفاوت تولید و مصرف کالاهای صادراتی و وارداتی به دست می‌آید:

$$V = M = Y_c - Y_p = Z = X_p - X_c \quad (2)$$

با در نظر گرفتن رابطه‌های (1) و (2)، مفاهیم میل متوسط به تولید و مصرف کالاهای صادراتی و وارداتی و میل متوسط به تجارت کالاها به صورت رابطه‌های زیر تعریف می‌شوند:

$$\begin{aligned} \text{میل متوسط به تولید کالای صادراتی} &\equiv \frac{X_p}{Q} \equiv \theta_x^P \\ \text{میل متوسط به تولید کالای وارداتی} &\equiv \frac{Y_p}{Q} \equiv \theta_y^P \\ \text{میل متوسط به مصرف کالای صادراتی} &\equiv \frac{X_c}{Q} \equiv \theta_x^C \\ \text{میل متوسط به مصرف کالای وارداتی} &\equiv \frac{Y_c}{Q} \equiv \theta_y^C \\ \text{میل متوسط به صادرات کالای صادراتی} &\equiv \frac{Z}{Q} \equiv \theta_z \\ \text{میل متوسط به واردات کالای وارداتی} &\equiv \frac{M}{Q} \equiv \theta_m \\ \text{میل متوسط به تجارت} &\equiv \frac{V}{Q} \equiv \theta_v \end{aligned} \quad (3)$$

در رابطه‌های بالا، (θ) میل متوسط، (p) تولید، (c) مصرف، (X) کالای صادراتی، (Y) کالای وارداتی، (M) واردات، (Z) صادرات و (V) میزان تجارت هستند.

ارتباط بین رابطه‌های (1) و (2) با در نظر گرفتن رابطه (3) به صورت زیر فرمول‌بندی می‌شود:

$$\theta_x^p + \theta_y^p \equiv \theta_x^c + \theta_y^c \equiv 1 \quad (4)$$

میل متوسط به تجارت معادل رابطه زیر از تقسیم دو طرف رابطه (2) بر Q به دست می‌آید:

$$\theta_v \equiv \theta_m \equiv \theta_y^c - \theta_y^p \equiv \theta_z \equiv \theta_x^p - \theta_x^c \quad (5)$$

اما با این فرض که منحنی امکانات تولید در نتیجه رشد اقتصاد به سمت بیرون انتقال می‌یابد، با گذر زمان اقتصاد به تعادل جدید خواهد رسید. در نقطه تعادل جدید میزان تولید، مصرف، صادرات و واردات نسبت به مقادیر متناظر در تعادل اولیه متفاوت هستند.

تعادل جدید با توجه به رابطه‌های (1) و (2) به صورت رابطه‌های زیر برقرار است:

$$\Delta Q = \Delta X_p + \Delta Y_p = \Delta X_c + \Delta Y_c \quad (6)$$

$$\Delta V = \Delta M = \Delta Y_c - \Delta Y_p = \Delta Z = \Delta X_p - \Delta X_c \quad (7)$$

با توجه به رابطه‌های (6) و (7)، میل نهایی به تولید و مصرف کالاهای صادراتی و وارداتی و میل نهایی به تجارت کالاها به صورت رابطه‌های زیر محاسبه می‌شوند.

$$\begin{aligned} \text{میل نهایی به تولید کالای صادراتی} &\equiv \frac{\Delta X_p}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_x^p \\ \text{میل نهایی به تولید کالای وارداتی} &\equiv \frac{\Delta Y_p}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_y^p \\ \text{میل نهایی به مصرف کالای صادراتی} &\equiv \frac{\Delta X_c}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_x^c \\ \text{میل نهایی به مصرف کالای وارداتی} &\equiv \frac{\Delta Y_c}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_y^c \\ \text{میل نهایی به صادرات کالای صادراتی} &\equiv \frac{\Delta Z}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_z \\ \text{میل نهایی به واردات کالای وارداتی} &\equiv \frac{\Delta M}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_m \\ \text{میل نهایی به تجارت} &\equiv \frac{\Delta V}{\Delta Q} \equiv \varepsilon_v \end{aligned} \quad (8)$$

بنابر رابطه 9، با تقسیم رابطه‌های 6 و 7 بر ΔQ ، مجموع میل نهایی به تولید با مجموع میل نهایی به مصرف کالاهای صادراتی و وارداتی برابر و معادل یک می‌شوند.

رشد بخش کشاورزی...133

$$\varepsilon_x^p + \varepsilon_y^p = \varepsilon_x^c + \varepsilon_y^c = 1 \quad (9)$$

همچنین بنابر رابطه (10)، میل نهایی به تجارت برابر با تفاوت میل نهایی به مصرف و تولید کالاهای وارداتی و صادراتی است.

$$\varepsilon_v = \varepsilon_m = \varepsilon_y^c - \varepsilon_y^p = \varepsilon_z = \varepsilon_x^p - \varepsilon_x^c \quad (10)$$

مفاهیم نرخ رشد تولید، مصرف و تجارت کالاها در قالب رابطه‌های (11) تعریف می‌شوند:

$$\begin{aligned} \text{نرخ رشد اقتصادی} &\equiv \frac{\Delta Q}{Q^0} \equiv \lambda_q \\ \text{نرخ رشد تولید کالای صادراتی} &\equiv \frac{\Delta X_p}{X_p^0} \equiv \lambda_x^p \\ \text{نرخ رشد تولید کالای وارداتی} &\equiv \frac{\Delta Y_p}{Y_p^0} \equiv \lambda_y^p \\ \text{نرخ رشد مصرف کالای صادراتی} &\equiv \frac{\Delta X_c}{X_c^0} \equiv \lambda_x^c \\ \text{نرخ رشد مصرف کالای وارداتی} &\equiv \frac{\Delta Y_c}{Y_c^0} \equiv \lambda_y^c \\ \text{نرخ رشد صادرات} &\equiv \frac{\Delta Z}{Z^0} \equiv \lambda_z \\ \text{نرخ رشد واردات} &\equiv \frac{\Delta M}{M^0} \equiv \lambda_m \\ \text{نرخ رشد تجارت} &\equiv \frac{\Delta V}{V^0} \equiv \lambda_v \end{aligned} \quad (11)$$

اما اینکه رشد اقتصادی چه تاثیری بر حجم تجارت خارجی می‌گذارد بستگی به دو اثر مختلف دارد: 1) نرخ رشد تولید کالاهای صادراتی و وارداتی (اثر تولیدی) و 2) الگوی مصرفی کشور، هنگامی که درآمد ملی با رشد اقتصادی افزایش می‌یابد که همان اثر مصرفی است (جانسون، 1958). اگر تولید و مصرف هر دو موافق تجارت باشند، حجم تجارت به تناسب رشد محصول از رشد سریع‌تری برخوردار خواهد بود. چنانچه تولید و مصرف هر دو مخالف تجارت باشند، حجم تجارت به تناسب رشد محصول دارای رشد کندتری خواهد بود و ممکن است کاهش یابد. اما اگر تولید موافق تجارت و مصرف مخالف تجارت باشد و برعکس، تغییر در حجم تجارت بستگی به اثر خالص آنها دارد. در جدول 1، انواع اثرگذاری‌های تولیدی و مصرفی رشد اقتصادی، با در نظر گرفتن محدوده مقادیر میل نهایی و میل متوسط به تولید و مصرف کالاهای صادراتی و وارداتی تقسیم بندی می‌شوند.

جدول (1) انواع اثرگذاری‌های مصرفی و تولیدی رشد اقتصادی

محدوده میل نهایی به تولید کالای صادراتی	انواع اثرگذاری‌های تولید	محدوده میل نهایی به مصرف کالای وارداتی	انواع اثرگذاری‌های مصرف
$\varepsilon_x^p = \theta_x^p$	خنثی	$\varepsilon_y^c = \theta_y^c$	خنثی
$\theta_x^p < \varepsilon_x^p < 1$	موافق تجارت	$\theta_y^c < \varepsilon_y^c < 1$	موافق تجارت
$+\infty > \varepsilon_x^p > 1$	کاملاً موافق تجارت	$+\infty > \varepsilon_y^c > 1$	کاملاً موافق تجارت
$0 < \varepsilon_x^p < \theta_x^p$	مخالف تجارت	$0 < \varepsilon_y^c < \theta_y^c$	مخالف تجارت
$-\infty < \varepsilon_x^p < 0$	کاملاً مخالف تجارت	$-\infty < \varepsilon_y^c < 0$	کاملاً مخالف تجارت

منبع: چچولیا دز (1978)

در این پژوهش دو محصول خرما و پسته به عنوان محصولات عمده صادراتی و دو محصول برنج و شکر به عنوان محصولات منتخب وارداتی انتخاب شدند. اطلاعات دوره زمانی تولید، صادرات و واردات، مصرف، قیمت تولیدی و مصرفی محصولات مورد بررسی از بانک اطلاعاتی وزارت جهاد کشاورزی، گمرگ ایران، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)¹ گردآوری شده است.

نتایج و بحث

محاسبه میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی و میانگین نرخ رشد تولید، مصرف و تجارت محصولات منتخب مربوط به پنج برنامه توسعه در جدول 2، آمده است. بنابر یافته‌ها در همه برنامه‌ها محصولات صادراتی خرما و پسته از نرخ رشد مثبت همراه با نوسان در تولید و مصرف برخوردارند، و محصول پسته بزرگترین نرخ رشد تولید را به خود اختصاص داده است. نرخ رشد تولید و مصرف محصولات وارداتی برنج و شکر در برنامه‌های اول تا سوم، نوسانی و مثبت است. اما در برنامه چهارم دارای نرخ رشد منفی در تولید و در برنامه پنجم دارای نرخ رشد منفی در مصرف هستند. نرخ رشد تجارت محصولات منتخب در پنج برنامه توسعه، روند منطقی ندارد و دلیل آن می‌تواند ناشی از بی‌ثباتی سیاست‌های دولت و حضور افراد غیرمتخصص در بخش تجارت بین‌الملل باشد.

¹Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)

رشد بخش کشاورزی...135

جدول (2) میانگین نرخ رشد تولید، مصرف و تجارت محصولات منتخب کشاورزی (درصد)

میانگین نرخ رشد	خرما	پسته	برنج	شکر	
تولید	6	14	11	8	
مصرف	5/5	5	22	7	برنامه اول
تجارت	65	18	75	10	
6					میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی
تولید	3	19	2	1	
مصرف	6	6	7	9	برنامه دوم
تجارت	-0/4	14	31	39	
2					میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی
تولید	2	33	4	7	
مصرف	3	5	4	1	برنامه سوم
تجارت	-0/2	9	6	-27	
4					میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی
تولید	3	4	-3	-11	
مصرف	1	5	-1	2	برنامه چهارم
تجارت	1/1	3	4	102	
1					میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی
تولید	0/5	6	3	7	
مصرف	0/1	4	-0/5	-1	برنامه پنجم
تجارت	8	0/5	-0/2	-17	
3					میانگین نرخ رشد بخش کشاورزی

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج محاسبات میل نهایی و میل متوسط به تولید، مصرف و تجارت محصولات منتخب و انواع اثرگذاری‌های تولیدی و مصرفی رشد روی توسعه تجارت محصولات در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه در جدول 3، گزارش شده است. بنابر یافته‌ها مشاهده می‌شود که برابر شاخص‌های مندرج در جدول 1، اثرگذاری تولیدی رشد بخش کشاورزی روی محصول صادراتی خرما در برنامه توسعه دوم و سوم مخالف تجارت و در برنامه‌های اول، چهارم و پنجم موافق با تجارت بوده است. اما اثرگذاری مصرفی خرما در همه برنامه‌ها به جز برنامه دوم و چهارم مخالف تجارت است. اثرگذاری رشد روی تجارت که برآیند اثر تولیدی و مصرفی است، در برنامه‌های دوم و سوم به دلیل منفی بودن میل نهایی به تجارت خرما کاملاً مخالف با صادرات است. اما در برنامه اول به دلیل کوچک‌تر بودن میل نهایی به مصرف و در برنامه چهارم و پنجم به دلیل

بزرگ‌تر بودن میل نهایی به تولید موافق با صادرات خرما است. اثرگذاری تولیدی و مصرفی رشد روی محصول صادراتی پسته در برنامه اول و سوم توسعه هم جهت و موافق با تجارت هستند از این‌رو اثرگذاری رشد بخش کشاورزی موافق با صادرات پسته است. اما در دیگر برنامه‌ها اثرگذاری تولیدی و مصرفی هم جهت نبوده و برآیند آنها در برنامه‌های دوم و پنجم به دلیل کوچک‌تر بودن میل نهایی به صادرات و در برنامه چهارم به دلیل بزرگ‌تر بودن میل نهایی به تولید پسته به ترتیب مخالف و موافق تجارت است.

بنابر یافته‌های پژوهش، اثرگذاری رشد روی محصول وارداتی برنج در برنامه اول و سوم به دلیل کوچک‌تر بودن میل نهایی به تولید و در برنامه چهارم به دلیل بزرگ‌تر بودن میل نهایی به مصرف موافق با واردات برنج بوده است. اما در برنامه دوم و پنجم توسعه، میل نهایی به واردات برنج کوچک‌تر از میل متوسط به واردات آن است و اثرگذاری رشد مخالف تجارت (واردات) می‌باشد. در برنامه‌های اول و پنجم توسعه با افزایش رشد، میل نهایی به مصرف و تولید شکر به ترتیب کاهش و افزایش یافت در نتیجه میل نهایی به واردات شکر کوچک‌تر از صفر و اثر رشد روی تجارت شکر کاملاً مخالف با واردات آن است. اما در برنامه‌های دوم و چهارم میل نهایی به مصرف شکر بزرگ‌تر از میل نهایی به تولید آن است و اثرگذاری خالص تولید و مصرف موافق با واردات شکر بوده است. با توجه به نتایج این پژوهش ملاحظه می‌شود که برخلاف انتظار روند صادرات و واردات محصولات منتخب از یک روند منسجمی پیروی نمی‌کند. به نظر می‌رسد نبود ثبات در سیاست‌های تجاری دولت و اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی موجب چنین نوسانی در تجارت محصولات منتخب شده است.

جدول (3) نتایج محاسبات میل نهایی و میل متوسط به تولید، مصرف و تجارت محصولات منتخب

شرح	خرما	پسته	برنج	شکر
میل نهایی به تولید	0/14	0/36	0/26	0/24
میل متوسط به تولید	0/12	0/31	0/45	0/12
اثر تولیدی	موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت
میل نهایی به مصرف	0/09	0/05	0/58	0/19
میل متوسط به مصرف	0/08	0/06	0/71	0/15
اثر مصرفی	مخالف تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت	موافق تجارت
میل نهایی به تجارت	0/05	0/31	0/32	-0/05
میل متوسط به تجارت	0/04	0/25	0/26	0/03
اثر تجاری رشد	موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	کاملاً مخالف

برنامه اول
توسعه
1368-72

رشد بخش کشاورزی...137

ادامه جدول (3) نتایج محاسبات میل نهایی و میل متوسط به تولید، مصرف و تجارت محصولات

منتخب

0/15	0/57	0/25	0/03	میل نهایی به تولید	برنامه دوم توسعه 1374-78
0/14	0/49	0/27	0/10	میل متوسط به تولید	
مخالف تجارت	مخالف تجارت	مخالف تجارت	مخالف تجارت	اثر تولیدی	
0/24	0/71	0/01	0/05	میل نهایی به مصرف	
0/19	0/70	0/02	0/08	میل متوسط به مصرف	
موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	اثر مصرفی	
0/09	0/14	0/24	-0/02	میل نهایی به تجارت	
0/05	0/21	0/25	0/02	میل متوسط به تجارت	
موافق تجارت	مخالف تجارت	مخالف تجارت	کاملا مخالف	اثر تجاری رشد	
0/13	0/24	0/52	0/11	میل نهایی به تولید	برنامه سوم توسعه 1379-83
0/22	0/42	0/24	0/12	میل متوسط به تولید	
موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت	اثر تولیدی	
0/22	0/52	0/01	0/25	میل نهایی به مصرف	
0/32	0/56	0/02	0/10	میل متوسط به مصرف	
مخالف تجارت	مخالف تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت	اثر مصرفی	
0/09	0/28	0/51	-0/14	میل نهایی به تجارت	
0/10	0/14	0/22	0/02	میل متوسط به تجارت	
مخالف تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	کاملا مخالف	اثر تجاری رشد	
0/11	0/17	0/39	0/33	میل نهایی به تولید	برنامه چهارم توسعه 1384-88
0/18	0/41	0/27	0/14	میل متوسط به تولید	
موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	اثر تولیدی	
0/30	0/64	0/05	0/01	میل نهایی به مصرف	
0/22	0/63	0/02	0/13	میل متوسط به مصرف	
موافق تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت	موافق تجارت	اثر مصرفی	
0/19	0/47	0/34	0/32	میل نهایی به تجارت	
0/04	0/22	0/25	0/01	میل متوسط به تجارت	
موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	موافق تجارت	اثر تجاری رشد	
0/28	0/24	0/09	0/39	میل نهایی به تولید	برنامه پنجم توسعه 1390-94
0/19	0/34	0/33	0/14	میل متوسط به تولید	
مخالف تجارت	موافق تجارت	مخالف تجارت	موافق تجارت	اثر تولیدی	
0/18	0/38	0/08	0/36	میل نهایی به مصرف	
0/20	0/65	0/03	0/12	میل متوسط به مصرف	
مخالف تجارت	مخالف تجارت	مخالف تجارت	مخالف تجارت	اثر مصرفی	
-0/10	0/14	0/01	0/03	میل نهایی به تجارت	
0/01	0/31	0/30	0/02	میل متوسط به تجارت	
کاملا مخالف	مخالف تجارت	مخالف تجارت	موافق تجارت	اثر تجاری رشد	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این بررسی نشان داد، در مجموع رشد بخش کشاورزی نقش اساسی در عملکرد تجاری محصولات منتخب، طی 5 برنامه توسعه کشور داشته است. یافته‌های بررسی بیانگر این بود که به طور کلی در برنامه اول توسعه، سیاست‌های دولت در راستای توسعه صادرات محصولات خرما، پسته و واردات برنج و حمایت بیشتر از تولید داخلی شکر و مدیریت واردات آن بوده است. در برنامه دوم توسعه برآیند اثرگذاری مصرفی و تولیدی رشد بخش کشاورزی منجر به توسعه نیافتن تجارت همه محصولات به جز شکر شد. در برنامه سوم توسعه، میل نهایی به تجارت محصولات پسته، برنج و شکر مثبت است و اثرگذاری رشد روی همه محصولات به جز خرما و شکر موافق با توسعه تجارت آنها بوده است. در برنامه چهارم اثرگذاری تولیدی و مصرفی محصولات وارداتی و خرما هم جهت و موافق با توسعه تجارت آنها و اثرگذاری خالص تولیدی و مصرفی رشد روی پسته موافق با صادرات آن بوده است. طی سال‌های برنامه چهارم با تغییر رویکرد سیاست‌های تجاری دولت مبنی بر کاهش تعرفه شکر منجر به افزایش بی‌سابقه واردات و نرخ رشد منفی در تولید شکر شد. همچنین در طول برنامه چهارم، کاهش تعرفه وارداتی برنج موجب افزایش واردات برنج و کاهش تولید آن در کشور شد. در برنامه پنجم توسعه، به رغم اینکه صادرات پسته جزو کالاهای تحریم شده نبود اما با وجود اثرهای تحریم از جمله کاهش دسترسی به بازار کشورهای غربی به دلیل افزایش تعرفه و محدودیت ابزارهای مالی بین‌المللی با چالش‌هایی رو به رو شد. در طول این برنامه سیاست‌های دولت در جهت حمایت از تولید شکر از طریق افزایش تعرفه وارداتی آن بوده است که منجر به منفی شدن میل نهایی به واردات شکر شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده، اگر افزایش سطح تجارت و به ویژه صادرات در دستور کار سیاستگذاران باشد، لازم است به متغیرهای تاثیر گذار مانند اثر تولیدی و مصرفی رشد بر تجارت توجه بیشتری شود. تعیین میزان تاثیر رشد بخش کشاورزی بر توسعه تجارت دارای اهمیت خاصی برای سیاستگذاران است، به مفهوم اینکه اگر افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی موجب توسعه تجارت شود، سیاست‌های مبتنی بر کاربرد فناوری‌های نوین در تولید بخش کشاورزی برای دستیابی به بهبود در تولید محصولات و توسعه تجارت صورت می‌گیرد.

همچنین اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب در زمینه توسعه صادرات محصولات با مزیت نسبی بالا و واردات محصولاتی که دارای مزیت نسبی نیستند می‌تواند موثر واقع شود. لذا

رشد بخش کشاورزی...139

ضرورت دارد در برنامه‌های آتی دولت، با توجه به نقش مهم بخش کشاورزی در صادرات غیرنفتی و امنیت غذایی کشور سیاست‌هایی که متضمن رشد مداوم و بلندمدت در بخش کشاورزی هستند مورد تاکید تصمیم‌سازان اقتصادی کشور قرار گیرد تا در آینده، ایران بتواند به جایگاه قابل قبولی در بازارهای بین‌المللی دست یابد.

منابع

- ابریشمی، ح. مهرآرا، م. و تمدن نژاد، ع. (1388) بررسی رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: روش گشتاورهای تعمیم یافته. مجله دانش و توسعه. سال شانزدهم، (26): 44-62.
- حفار اردستانی، م. (1380) بررسی رابطه همگرایی و علیت متقابل بین صادرات و رشد اقتصادی بخش کشاورزی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی. دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- خلیلی ملک‌شاه، س. و قهرمان زاده، م. (1395) بررسی رابطه بین صادرات و رشد بخش کشاورزی ایران: کاربرد الگوی خودتوضیح برداری ساختاری (SVAR) و گراف‌های غیرچرخشی سودار (DAG). فصلنامه اقتصاد کشاورزی. جلد 10، (4): 81-99.
- راسخ جهرمی، ع. و عابدی، ف. (1390) بررسی رابطه صادرات بخش کشاورزی و رشد و توسعه اقتصادی سال‌های 88-1355. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. سال اول، (2): 95-111.
- شاکری، ع. و مالکی، ا. (1389) آزمون رابطه رشد صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در ایران. سال هجدهم، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. (56): 26-5.
- کرباسی، ع. و پیری، م. (1388) بررسی رابطه میان آزادی تجاری و رشد اقتصادی در ایران (یک تحلیل هم‌جمع). مجله دانش و توسعه. سال شانزدهم، (27): 146-160.
- مرادی، م. ع. و مهدی زاده، م. (1384) تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران. مجله اقتصاد و تجارت نوین. سال اول، (3): 38-72.
- مهدوی، ا. و جوادی، ش. (1384) آزمون تجربی رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال پنجم، (4): 1-19.

- Awokuse, T. O.(2003) Is the export-led growth hypothesis valid for Canada?.
Canadian Journal of Economics, 36: 126-136.
- Balassa, B., (1978) Exports and Economic Growth, *Journal of Development Economic*, Vol.34, pp.189-191.
- Bhagwati, J.(1958). Immiserizing Growth: A Geometrical Note. *Review of Economic Studies*,(25):21-205.
- Chacholiades, M.(1978) International trade theory and policy. *Georgia State University.chap12*, pp.314-338.
- Chen, P. and Gupta, R. (2006). An Investigation of Openness and Economic Growth Using Panel Estimation.University of Pretoria.
- Corden, W. M. (1956). Economic Expansion and International Trade: A Geomtric Approach. *Oxford Economic Paper*, 8: 223-228.
- Feder, G. (1982) On Exports and Economic Growth. *Journal of Development Economics*, 12:59- 73.
- Gilbert, N.A., Linyong, S.G. and Divine, G.M. (2013) Impact of agricultural export on economic growth in Cameroon: Case of Banana, Coffee and Cocoa. *International Journal of Business and Management Review*, 1(1): 44-71
- Helpman, E. and Krugman, P. (1985) Market structure and Foreign Trade.(MIT Press, Combridge, MA).
- Hicks, J. R. (1953). An Inaugural Lecture. *Oxford Economic Paper*, Vol. 5, pp.117-135
- Johnson, H. G. (1955). Economic Expansion and International Trade 1. *The Manchester School*, 23(2), 95–112.
- Johonson, H. G. (1958). International Trade and Ecinomic Growth. George Allen and Unwin, Ltd.,London, Chap. 3.
- Jouini, J., 2015. Linkage between international trade and economic growth in GCC countries: empirical evidence from PMG estimation approach. *J. Int. Trade Econ. Dev.* 24 (3), 341–372
- Khan, I. U. and Kalirajan, K. (2011). The impact of trade costs on exports: An empirical modeling. *Economic Modelling*, 28(3): 1341–1347.
- Kónya, L. (2006). Exports and growth: Granger causality analysis on OECD countries with a panel data approach. *Economic Modelling*, 23(6): 978–992.
- Lopez, A. and Dawson, P.J. (2010) Agricultural exports and economic growth in developing countries: a panel cointegration approach. *Journal of Agricultural Economics*, 61(3): 565-583
- Love, J., and Chandra, R. (2005) Testing export-led growth in Bangladesh in a multivariate VAR framework; *Journal of Asian Economics*, 15: 1155-1168.
- Ranis, G., Stewart, F. and Angeles-Reyes, E. (1990). Linkages in Developing Economies: A Philippine Study, ICS Press, San Francisc.
- Rybcynski, T. M. (1955). Factor Endiwment and Relative Commodity Prices. *Economic*, 22: 336-341.

رشد بخش کشاورزی...141

- Sheehey, E. J. (1993). Exports as a factor of production: A consistency test. *World Development*, 21(1): 155–160.
- Serletis, A.(1992), Export Growth and Canadian Economic Development, *Development Economic*, Vol.38, pp.133-145.
- Weinhold, D. and E. Rauch, J. (1997). Openness, Specialization, and Productivity Growth in Less-developed Countries. NBER working paper no.1631.
- World Trade Report.(2013). Foundmental economic factors affecting international trade. *International Trade*.112-219
- Yamada, H. (1998) A Note on the causality between export and productivity.*Economics Letters*, 61: 111-114.
- Zahonogo, P. (2017). Trade and economic growth in developing countries: Evidence from sub-Saharan Africa. *Journal of African Trade*, 3(1–2), 41–56
<http://www.cbi.ir/showitem/16444.aspx>